عشق و تلاش به آن مبذول می‌داریم، به همان طریق و به همان اندازه بازسیی می‌گیرد. اینکه بدن شما چقدر کارآمد عمل می‌کند و یا چه اندازه بیماری‌ها را تحمل می‌کند (*) از طریق جدید هم اکنون می‌توانیم این سؤالات را مطرح کنیم که این سناریو، چگونه اصول مذهب یا علم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اشتباه ما مجبوریم از همان کلیم که "حیات" می‌که تحت تعاریف محدود و قدیم توصیف می‌شده است هرگز به مطابق این توصیفات تکوین نشده است. زیرا این توصیفات غلط بوده‌اند. (*) خدا و حیات یگانه هستند: طرحواره (Paradigm) بیان می‌دارد که حیات همانند هستی و همانند خدا عمل کرده است زیرا همه یک یکی هستند. نه تنها خدا زمان و بی "زمانی"، "هستی" و "عدم" را احاطه می‌کند. (*) سؤالات نامربوط؟! اگر ما قادر بودیم هستی را از سطح بالاتری سطح انسانی خودمان در هرم زندگی درک کنیم، می‌دیدیم که سؤالات یا گزاره‌هایی که ما قادر هستیم آن را مورد بررسی و جستجو قرار می‌دهیم، کاملاً نامربوط است. همانگونه سؤالاتی که توسط میکرب‌ها پرسیده می‌شوند که برای ما معنی دارد است. یعنی تنها پرسش‌ها و پاسخ‌هایی مناسب هستند که به سطح ما معنی مربوط باشند. سؤالات و یا سخنانی که از طریق زبان مطرح و ایجاد شده توسط یک ذهن منطقی مطرح می‌شوند. بحث و ترسیم سیر این مکث متوجه به فهم عمیق‌تر قابلیت‌ها و عملکرد شعور انسانی است. (*) انقلاب طبیعی: طرحواره جدید نشان می‌دهد که آنچه که داروین مدعی آن بوده است، تکامل، در حقیقت فرآیند رشد منظم و هماهنگی در سیکل وجودی خود است. نشان داده می‌شود که تغییراتی که در حیات جانوران و گیاهان جامعه عمل می‌کنند دیگر مربوط به "توسعه و تکامل از طریق انتخاب طبیعی" نیست. بلکه تغییراتی هستند که در سلول‌های بدن یک جانور رخ می‌دهند که در تمام زمان رشد از تولد تا مرگ بی‌نظم می‌باشند. (*) بازتولد (تجدید حیات Rebirth): اگر آنچه که زمین نه تنها موجودی توده‌ای از مواد فاقد نیروی حیات نیست بلکه بصورت یک اندامگان (ارگانیسم) زنده با تمام شعور خاص خود می‌باشد، و اگر به مشکلی که ما حتی نمی‌توانیم توصیفش کنیم و از آنجا که انسانیت پاره‌ای از وجود زمین است و نه جدایی مجزای آن، بنابراین به همان نحوی که سیاره ما به درست خود ادامه می‌دهد، هر تک تک انسان‌ها نیز حیات خواهند داشت و شاید هم حتی قادر به تولد دوباره گردند در بدن مادرها: زمین (زمین مادر) مبنی بر تولد دوباره و دوباره سلول‌ها در بدن یک انسان مادامیکه او زنده است. (*) بیماری: اگر چه گیاهان نیز همانند انسان مداوم مملکت دچار بیماری شوند که جامعه صنعتی امروز ما و احکام ابتکار ما حاکم بر آن بیماری سیاره ما محسوب می‌شوند. فلذا اگر جامعه صنعتی تخریب شیمیایی زمین گیاهان و جانوران را با زنا ستیه (جلوگیری نکند)، ما اتمام کل هستی را به ورطه نابودی خواهیم کشاند. در بدن جانوران طریقی که یک بیماری سرطانی بر اثر تخریب اکثریت سلول‌های بدنش توسط سرطان به زندگی خود پایان می‌دهد و یا حداقل باعث خواهد شد که سیاره ما بگونه‌ای طبیعت خود را تغییر دهد که بقای نسل انسان را مشکل‌تر سازد. تغییرات آب و هوایی می‌توانند بر اجتماع بشر و حیات انسانی ما پایان بخشند. (*) زمین - مجموعه (کونه‌های مختلف هستی محوری) جامعه صنعتی ما بنابراین، موظفند ساختار فکری که آنچه را به توسعه "زمین مادر" به صورت طبیعی تحت زنده است، دگرگون سازند. ما موظفیم ادراک و تصور مجدد را توسعه بخشیم که در آن زمین مرکزیت و اهمیت دارد نه شخص. (*) رام نشدنی طبیعت: ما باید این را دریابیم که هیچگاه قادر نخواهیم بود خدا را توسط ابزارهای بشری احاطه کنیم (تحت تأثیر قرار دهیم). بلکه ما اصل رام نشدنی طبیعت را که در آن ما کاملاً مقهور اراده خداوند هستیم!!! یک اصل اساسی برای رشد سالم ذهن، روان، روح و جسم ماست. این رشد سالم و طبیعی اجازه گسترش ادراک تا منتها الیه حد ممکن آن را به ما می‌دهد است. (*) تذکر: توضیح را بیان می‌نمایم. چرا که ما انسان‌ها چیزی که جیک و واسطه به این کل هستیم پذیریم که هرگز نمی‌توانیم با آن مبارزه و یا آن را مدیریت و یا حتی آن را بدرستی بفهمیم. ما انسان‌ها می‌توانیم به خدای عشق و احترام بورزیم که مطلقاً چیزی بزرگتر از ما است ای (مطلقاً در برابر او، وزنی نداریم)